

## فرهنگ گرسنگی

### حیدر حب الله

#### ترجمه: سعید نورا

سؤال<sup>۱</sup>: از امام صادق ع این گونه روایت شده است که: «إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلَةٍ، وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ، وَأَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ»، و از رسول خدا ص روایت شده است: «لَا تَمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ فَإِنَّ الْقَلْبَ كَالزَّرْعِ يَمُوتُ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ»، و همین طور رسول خدا صلی الله علیه وعلی آله وسلّم فرمود: «أَدِيمُوا قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ». قیل: وکیف ندیم قرع باب الجنة؟ قال: «بالجوع والظما». سوال من این جاست: میزان صحت این روایات از لحاظ سندى و مضمونى چیست؟ آیا اسلام بر فرهنگ گرسنگی تأکید دارد؟

پاسخ: روایت اول با سندى صحیح در کتاب «الكافی» (ج ۶: ۲۶۹) آمده است همچنان که در محاسن برقى نیز با همین سند آمده است (ج ۲: ۴۴۶). اما حدیث دوم را طبرسى در مكارم الأخلاق نقل کرده و دیگران نیز این روایت را نقل کرده اند اما بى سند نقل شده است همچنان که مصدرى برای آن معلوم نیست طبرسى نسبتاً متأخر است این حدیث در برخى از کتب اهل تسنن نیز آمده است و ابن ابى الحدید در شرح خود آن را آورده و زمخشرى نیز در «ربیع الأبرار» و ابن حمدون در «التذكرة الحمدونية» و ابشیهی در «المتسطف» و دیگران آن را نقل کرده اند

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فى الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۲۲۴.

اما همگی این روایت را بدون بیان مصدر و بی سند نقل کرده اند و هیچ اصلی برای این روایت نه نزد اهل سنت و نه نزد شیعه نیافتیم. اما حدیث سوم که خطاب به عائشه همسر پیامبر وارد شده است را احسائی در عوالی اللئالی و همینطور ابن میثم بحرانی در شرح نهج البلاغه نقل کرده اند. این حدیثی است که هیچ اصل و سندی برای آن ندیده ام و ملا علی قاری در کتاب (الأسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة) خود آن را نقل کرده و می گوید که هیچ اصلی بر آن نیافته است و عجلونی در کشف الخفاء نیز همینطور انجام داده است.

تناقل این نوع از احادیث را در کتاب اخلاق و تصوف می بینیم. ده ها روایت نزد اهل تسنن و شیعه در موضوع طعام آمده است و قدر متیقن از جامع این روایات نهی - هرچند به صورت کراهت - از پرخوری با تعابیر مختلف است و دعوت به میانه روی در غذا خوردن و افراط نکردن در آن دارد.

آنچه که با مراجعه روایات این موضوع - که شیخ حر عاملی بخش زیادی از آن را در کتاب خود «تفصیل وسائل الشیعة» (ج ۲۴: ۲۳۹ - ۲۴۶) نقل کرده و برخی از آن نیز در سنن ترمذی (ج ۴: ۱۸) نقل شده است و بیهقی نیز بسیاری از این روایات را در کتاب شعب الایمان (ج ۵: ۲۲ - ۴۹) روایت کرده است بر اساس تکیه بر منهج وثوق که قدر متیقن از مضمون این روایات را می پذیرد - به دست می آید نهی از پر خوری و اهتمام بیش از حد به خوردن و آشامیدن است. امری که در قرآن کریم نیز اشاره به آن دیده می شود آنجایی که خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ (محمد: ۱۲)، در این آیه به اهتمام به خوردن و لذت بردن همچون چارپایان اشاره شده است چهارپایانی همچون گاور که عادتاً مشغول خوردن و آشامیدن هستند.

در این بین هیچ چیزی که ترغیب به گرسنگی را اثبات کند وجود ندارد. این مفهوم قدر متیقن از این روایات بر اساس منهج وثوق به احادیث که روش درست در اعتبار سنجی احادیث است نمی باشد حتی روایت اول در این جا که به لحاظ سندی صحیح است دلالتی بر گرسنگی به سبک متصوفه ندارد بلکه خواستار سبکی شکم است که دقیقاً مفهوم مقابل با سنگینی آن است که کنایه از پرخوری و اشتغال داریم به غذاست.

در نگاه قاصر بنده فرهنگ هجران دنیا - به معنای گرسنگی و نخوردن به روش صوفیه - فرهنگ مخالف با نصوص قرآن کریم است که مردم را به خوردن و بهره گرفتن بی طغیان از طبیعت فرا می خواند. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (البقرة: ۶۰). ﴿وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَارِعُوا إِلَىٰ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة: ۵۷ - ۵۸). ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (البقرة: ۱۶۸). ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (البقرة: ۱۷۲). ﴿هُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوسَاتٍ وَعَظِيرٍ مَّعْرُوسَاتٍ وَالتَّخْلُ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ مِّمَّا رَزَقْنَاكُمْ اللَّهُ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (الأنعام: ۱۴۱ - ۱۴۲). ﴿وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ وَإِذْ قِيلَ لَهُم اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَتَرِدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ (الأعراف: ۱۶۰ - ۱۶۱). ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ﴾ (طه: ۸۰ - ۸۱). ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (الأعراف: ۳۱ - ۳۲) و دیگر نصوص قرآنی و حدیثی.

با این که برخی از این آیات به جهت وجود تعبیر (الأكل: خوردن) دارای مدلولی عام هستند یا آن که در حق بنی اسرائیل نازل شده اند اما فضای کلی که انسان از قرائت متن قرآنی به دست می آورد نهی از اسراف و طغیان و منع حقوق و لذت جویی همچون چارپایان است به گونه ای

که هدف زندگی انسان تنها لذت جویی از خوردن و آشامیدن و مسائل جنسی و.. باشد بی آن که هدف دیگری را دنبال کند. در قرآن کریم دعوت به گرسنگی وجود ندارد بلکه در مقابل دعوت به بهره جویی از طبیعت دنیا بدون اسراف و طغیان آمده است.

از این رو، نسبت به نصوص اندکی که غالب آن ها بی سند یا ضعیف السند هستند و به فرهنگ گرسنگی و ترک غذا و آشامیدن فرامی خوانند بر این اساس که در این فرهنگ نوعی نزدیکی به خداوند سبحان است احتیاط به خرج می دهیم. چنین امری حتی اگر در تجربه ی فردی امری سودمند باشد ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که چنین چیزی یک فرهنگ قرآنی یا دینی ثابتی باشد.

آری، اگر مقصود از فرهنگ گرسنگی انجام انواع روزه از جمله روزه ای که استحباب آن ثابت شده باشد، در این صورت اشکالی در آن نیست. اما این فرهنگ گرسنی در وقت افطار را اثبات نمی کند این مطلب باید مورد ملاحظه قرار گیرد. افزون بر این که همانطور که واضح است، استحباب برخی از روزه های مستحبی بر پایه قاعده تسامح در ادله سنن بوده است.